

احترام

قانون

احترام قانون و حفظ و اجرای آن یکی از صفات برگزیده ملل زنده است، در سایه آن حیات و استقلال ملی جاوید و برقرار میشود. هر جامعه که قانون ندارد یا حرمت آنرا نگاه نداشته یا در اجرای آن تکاهل روا دارد پپای خود روبروالمیرود، چنین جامعه‌ای هرگز روی آبادی و آزادی و آسایش نمیبیند.

دیوگلس مقنن معروف یونان در قانون مقرر داشته بود که هر کس با سلاح بمیان جمع آید جزایش اعدام است.

از قضا روزی از کارزاری بشهر برگشت و صدای غوغا و آشوب شنید، غافل از آنکه سلاح در بر دارد برای تسکین غوغا بدانجا شتافت همینکه مردم او را دیدند شماتت آغاز نهادند که همانا بر خلاف قانون خویش رفتار میکند. چون دیوگلس این گفته بشنید گفت من نیز کیفر کردار خویش خواهم داد با همان خنجری که داشت سینه خود بشکافت.

قانونی که بر نفس مقننین حکومت نکند، قانونی که نزد مقننین محترم نباشد اثر وضعی مفید و مثبت ندارد اگر مقنن خود از قانون منحرف شود و از اجرای آن اعراض کند. باید گفت که قانونش مبانی محکمی نداشته یا خود بدان مؤمن و معتقد نبوده است. هرگاه مقنن خود از اجرای مدلول قانون منصرف شد و بر خلاف آن عمل کرد نمیتوان گفت که چون خود او وضع قانون کرده و حالا نیز خودش از آن منصرف شده پس این عدول و انصراف هم قانون است یا اعتبار قانونی دارد.

اگر اکثریت مجلس موضوعی را بصورت قانون تصویب کند مطابق مدلول مادتين ۱ و ۳ قانون مدنی باید در ظرف سه روز از تاریخی که بصرحه ملوکانه موشح می شود در روزنامه رسمی کشور منتشر گردد و بدستور ماده دوم در تهران پس از انقضای ده روز از تاریخ انتشار در جریده رسمی قابل اجرا خواهد بود، پس اگر کسی بغلط بگوید فلان موضوع را اکثریت مجلس تصویب کرده و هرگاه همان اکثریت آمد بر خلاف آن رفتار کرد آن عمل خلاف هم قانون است میگوئیم بسیار خوب بر فرض قبول این نظریه باز آنهم محتاج برعایت تشریفات مقرر قانونی میباشد که عبارت است از صرحه ملوکانه و درج در مجله رسمی و گذشتن مدت ده روز و بدون رعایت این تشریفات هر تصمیم و اقدام و عملی ولو اینکه مورد موافقت تمام و کلا باشد و بجای اکثریت باتفاق آراء تصویب کرده باشند اثر و اعتبار اجرائی ندارد .

مادام که قانون سابق رسماً لغو نشده یا با تصویب قانون لاحقی نسخ نگردیده بقوت خود باقی است و هر گونه عمل و تصمیم معارض آن هم که بصورت صحیح قانونی در نیاید باطل و کان لم یکن شناخته میشود. روش خود مقننین و رویه کسانی که نظاماتی را وضع و تصویب میکنند در رفتار و کردار کسانی که باید رعایت و اجراء کننده فوق التصور موثر است حتی در خانه و خانواده پدر و مادریکه باصول بهداشت بی اعتنائی کنند نمیتوانند از فرزندان و سایر اهل خانه توقع رعایت داشته باشند ، اگر شخصی دیگری را بوسیله عملی بر امری آگاه سازد و آن دیگر متوجه بدان گردد و آن دوم هم عملی مانند عمل اولی کند این دو عمل که بدون اراده انجام میشود يك نحوی از انعطاف طبیعی است که بدون تظن شخص بحصول آن بوجود میآید و در علم الاجتماع عمل اول را **منابیه** (از نبه اخذ شده است) و عمل دومی را **محاکات** میگویند. اغلب اعمالی که از روی محاکات صورت میگیرد مسبوق به فکر و تعقل نیست بلکه خود به خود و بعلت منابیه شخص دیگر است .

منشأ و فلسفه وحدت اخلاق و اقوال و عادات و اعمال و عقائد و آراء اقوام و ملل

نتیجه همین انعکاس است .

منابه و محاکات نخستین پایه‌ای هستند که اجتماع از آنها بنا میشود و این دو تا روپود اولی هستند که از آنها اجتماع بافته میشود و همین خاصیت است که موجب وقای اجتماع میگردد .

مطالعه در احوال اطفال نشان میدهد که آنان بیش از دیگران تحت تأثیر این دو امر قرار میگیرند و روز بروز اعمال و افکار پدر و مادر و طرز نگاه کردن و سخن گفتن آنان و مجاورین و معاشین در آنان منعکس میشود و نقش مینندد . زنان هم تحت تأثیر محاکات طالب تغییر در وضع لباس و تقلید آرایش میشوند و بطور کلی تمام افراد بشر بلکه حیوانات هم مقهور این دوقوه بوده و هستند و همانطور که اگر دو بطری روی آب باشد حرکت یکی از آنها دیگری را متحرک میکند همانطور که در امواج الکتریسته و نلگرافهای بی سیم و با سیم در پاندول ساعت حرکت از متحرکی به متحرک دیگر منتقل میگردد بین دو نفر نیز اعمال هر يك دیگری را به عمل یا عکس العمل و امیدارد.

مثلا شخصی شعر یا آواز میخواند دیگری هم در مقام خواندن بر میآید یا یکی خمیازه میکشد دیگری هم عیناً دهن دره میکند . منابه پدر و مادر استاد و معلم رئیس و زیر همه نتایج بصورت محاکات خواهند داشت و هر قدر اجتماع آنها متری تر شخصیت آنها بارز تر و گفتار و کردار آنان معقول تر و سنجیده تر باشد بهمان نسبت سطح جامعه آنها بالاتر میرود و راه ترقی بهتر و سریعتر پیموده میشود.

پس برای پدر و مادر و استاد و معلم و کیل و زیر و رئیس و فرمانده ایمان لازم است ایمان هم مبدا و مبنی می خواهد یعنی باید يك چیزی متعلق ایمان شخص گردد و انسان بآن پابند و مؤمن و برای آن خاضع و مطیع شود .

مؤمن شدن ازدو چیز است یکی معتقدات علمی دیگر احساسات قلبی، معتقدات علمی مثل اینکه در نتیجه علم طب می فهمیم و معتقد میشویم که مواد الکی و سرگرمی هائی مثل قمار که اعصاب را تحریک و فکر و خیال را ناراحت میکند برای سلامتی مزاج مضر است، احساسات قلبی عبارت از علاقه و تمایلاتی است که قلب انسان به نیکی و نیکوکاران یا به خویشان و دوستان و وطن خود داشته باشد .

قوانین و مقرراتی که بر اساس ایمان و اعتقاد وضع باید حداقل شود نزد واضعین محترم باشد تا بر اثر تبلیغ و منابه و محاکات و سایر مسائل اجتماعی شایع و اجرا شود و اگر خود آنان واعظ غیر متعظ باشند و به نظامات و مقررات خود پشت پا بزنند و بی‌اعتنائی کنند اثر معکوس خواهد داشت .

در محفلی شنیدم شیخ جعفر شوشتری فقیه معروف دهریزی در مشهد مقدس منبر میرفت روز آخر با مستعین خدا حافظی کرد و گفت فردا مراجعت میکنم شبانه والی و عده‌ای از بزرگان محلی با و مراجعه، اظهار علاقه و اصرار فراوان کردند که ده روز دیگر بماند بالاخره نپذیرفت و مراجعت کرد و در جواب والی گفت **اگر بمانم هر چه گفته‌ام بی‌اثر میشود در مجلسی هم دیدم که شخصی سخنرانی میکرد و در رد شعر و زیان شاعری اصرار داشت و در زم شعر میگفت :** که گاهی را کوهی میکند و از انبان خیال نقش فریبا بیرون میدهد و شاعر ستایشگر با نساجی خیال بت منفور رارنگ مقبول میزند و نابکاران ستمگر رادر صف فرشتگان مقرب میبرد ولی در پایان سخنان خود به شعری توسل جسته و با حرارت مخصوصی برای حسن ختام اشعاری خواند .

در مفاهیم شعرش که دقت کردم استنباط این شد که شعر تصویری گویا و تصویر شعر خاموش است که لب از لب بر نمیدارد اغراق و مبالغه هم سایه و روشن و گودی و برجستگی آنرا مجسم میسازد .

شعر سر کتوم طبیعت و موزون ترین نغمه‌هایی است که از دل بشر بهنگام تأثر و حسرت و در زمان شادی و مسرت سر میدهد و مؤثرترین گفتاری است که از دل پر شوری برخاسته و در سر پرشوری می‌نشیند و تنها شاعران می‌توانند در زندگی يك عصر وحدتی ایجاد کنند .

خلاصه اینکه با خواندن شعر معلوم شد که خیلی هم با شعر و شاعر مخالف نیستند و باظهارات آغاز سخنرانی خود ایمان و اعتقاد محکمی ندارند. تأثیر سخن بسته بر رفتار صاحب سخن است وقتی گوینده به چیزی معتقد بود چون ایمان ملازم

عمل است طبعاً بدان عمل میکند و از تکرار عمل عقیده وی راسخ تر شده بمرحله‌ای میرسد که وقتی در باره آن چیز سخن میگوید گوئی شعله‌ای از ایمان خود را در قالب الفاظ و عبارات جای داده در روح شنونده سر میدهد و او را گرم و نورانی میکند اما سخنی که بقصد اسقاط تکلیف یا خود نمائی و فریفتن دیگران باشد چون در دل گوینده جای ندارد از دل بر نمی‌خیزد و بر دل نمی‌نشیند و در فضای خارج طنین نمی‌اندازد زیرا همانطور که معطی‌شی^۱ فاقد آن نیست طبعاً فاقد شی^۲ هم نمیتواند معطی آن باشد بنابراین تأثیر سخن با ایمان گوینده و اثر قانون باروش قانونگزار تناسب مستقیم دارد.

تورا که هیچ زاحوال خود خبر نبود ز حال خود دگری را خبر چگونه کنی؟
مثلاً مأمورین راهنمایی و رانندگی اگر بهر سرعتی که میخواهند بروند و هر جا میخواهند توقف کنند هرگز نخواهند توانست که احتیاجات مردم را درک کنند و چاره بیاندیشند.

بطور کلی در کنار دجله کسی قدر آب نمی‌داند.

وقتی انسان در یکطرف شهر می‌بیند که بعنوان سد معبر کسبه را متفرق و مجازات می‌کنند و در نقاط دیگر خود شهرداری پیاده‌رو حتی وسط خیابانها را بدون رعایت حدود و حقوق کسبه^۳ طرفین باخذ مبلغ ناچیز و صدور پروانه سد میکند می‌فهمد که رئیس برزن یا شهردار محل کرایه‌ده‌کلان و اجرت‌شاگرد و مالیات و عوارض نداده و کساد و تحمل‌ضرر نچشیده است.

وقتی از یکطرف ریختن زباله يك خانه حتی در حریم همان خانه منع و تعقیب میشود و از طرف دیگر خود شهرداری در بعض خیابانها چندین کامیون کثافت و زباله يك محله را بدون توجه به بهداشت و تنفس مجاورین آن بعنوان تمرکز و انتظار وسیله نقلیه چندین روز توده میکند و نکم میدارد شرم ناصح از منبر ضرورت پیدا میکند.

وقتی شوهری زن خود را به سادگی و سنگینی به وقار و متانت توصیه کند و تا در زن یگانه سبکی و جلفی لباس و آرایش یا کستاخی و هرزگی کردار و روش می‌بیند با دیده تحسین واله و شیدا و مات و مبهوت شود آهنی راهم سرد میکند، هم می‌کوبد.

وقتیکه مسافر اضافه سوار کردن ممنوع است ولی اتوموبیل‌های دولتی یا وابسته بدولت مانند انجیری که به نخ کشیده باشند دو برابر ظرفیت مجاز سوار کنند .

در گفته‌های آئین نامه بوق حمام زرده میشود وقتیکه آموزگار دبستان دبیر دبیرستان یا استاد دانشگاه در وقت مقرر سر کلاس نیایند و با تأخیر و غیبت و عدول از مقررات کار نظام و انضباط محیط فرهنگی را با بی‌اعتنائی تلقی کنند با قالب رومی و دل‌زنگی پیوسته از دانشجویان توقع نظم و ترتیب کنند و بخواهند بجای عمل آنها را با حرف تربیت کنند باید گفت میخواهند چیزی را بدهند که خود ندارند .

وقتی توقف اتوموبیل در پیاده‌روها ممنوع است و مردم با پرداخت مالیات و عوارض و پول پارکینگ اگر اضطراراً چند دقیقه توقف می‌کنند بیست تومان جریمه میدهند مع الوصف در پیاده‌روهای مجاور یا مقابل بعضی ادارات و مؤسسات اتوموبیل‌های دیگران مصون از تعرض سد معبری کنند .

عابر پیاد مادری می‌افتد که شبانگاه بر بام خانه بالین داماد و دختر را سردولی بستر پسر و عروسش را گرم میدانست و میخواست اینها نزدیکتر بهم و آنها دورتر از هم بخواهند .

از مجموع این مشاهدات که در شئون مختلف زندگانی اجتماعی ما شواهد گوناگون و فراوان دارد این فکر پیدا میشود که شاید گویندگان و واضعین سخنان رطب خورده پرهیز بدهند و به گفتار و مقررات خود ایمان و اعتقاد نداشته باشند و این منابه ملازم محاکات مردم گردد که آنها هم مقررات را بدیده بی‌اعتنائی نگریسته بدست بی‌نظمی بسپارند و اینطور اشتباه کنند که قوی هر کاری کند بمذوح و ضعیف هر چه کند مذموم است .

آیا بهترینست که آنها هم خود را به نفع اجتماع محدود کنند تا آن تربیت صحیح ، آن تربیتی که مقصود ماست ، تربیتی که ملت را منقلب کند و سستی و خمودگی و بی‌ایمانی و نومیدی را به نشاط و ایمان و امید و آرزو مبدل سازد بوسیله عمل ممکن گردد . بدیهی است مادام که ما کور خودمان باشیم و بینای دیگران با ددر قفس می‌کنیم

علی اصغر فراسیون

و آب درهاون می‌گوییم!